

نظر خواهی از بخش خصوصی، نقطه قوت دولت

مسعود خوانساری

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران



آخرین ماه‌های سال ۱۳۹۵ با اتفاقاتی همراه بود که بخش خصوصی کشور را کمی به آینده خوشبین کرد. با پیگیری‌های معاون اول رئیس جمهوری، ۶ مشکل مهم بخش خصوصی برطرف شد و از این جهت می‌توان امید داشت که فضای کسب و کار هموارتر و تسهیل شده‌تر شود. البته که این خوشبینی با مرور برخی اتفاقات کمی با تردید مواجه می‌شود. دولت یازدهم به طور خاص در مورد موضوع واقعی سازی و یکسان سازی نرخ ارز کمی محافظه کارانه رفتار کرد و همین جریان باعث شد تا مبارزه با جریان رانت و فساد در اقتصاد ایران با تأخیر مواجه شود. این موضوع هر چند بارها از سوی بخش خصوصی به دولت اعلام شد ولی برخی نگرانی‌های سیاسی موجب شد تا این مهم به تأخیر بیفتد و اقتصاد ایران هزینه‌های ناشی از آن را بپردازد.

اما نباید یاد برد که دولت عمده توان خود را در ماه‌های نخست به درستی روی به نتیجه رساندن مذاکرات هسته‌ای و کاهش نرخ تورم برای ثبات بخشی به اقتصاد و سیاست در کشور صرف کرد. به انجام رساندن این مهم، حرکت دولت در مسیر درست است که در حوزه اقتصاد در پیش گرفته است. قاعدتاً سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های دولت خالی از اشتباهه بود که در حوزه اقتصاد خرد نبوده و نیست. دخالت‌های دولت در حوزه کسب و کار از اعطای مجوز و پروانه گرفته تا قیمت گذاری روی کالای نهایی هنوز گسترده است و مقاومت در بدنه دولت برای حذف این دخالت‌ها هنوز پابرجاست.

البته که در نقد و بررسی رفتارهای دولت نباید از یاد برد که این دولت میراث‌دار هزینه‌هایی است که از دولت قبل بر جای مانده است. دولت یازدهم در حالی به ماه‌های پایانی دوران فعالیت خود نزدیک می‌شود که از ابتدای روی کار آمدن با عمیق‌ترین مشکلات و سخت‌ترین چالش‌های ممکن در حوزه اقتصاد مواجه بوده است؛ از جمله بدهی‌های بالا و تعهدات بسیار دولت در طرح‌های مختلف، تحریم‌های سخت که باعث افت شدید تولید و صادرات نفت به عنوان منبع اصلی درآمد دولت شده بود و تورم دورقمی فزاینده و رکود فراگیر همزمان که منجر به ظهور پدیده کم سابقه رکود تورمی در اقتصاد ایران شده بود. اما نباید از یاد برد که همه اینها دلیل مهمی برای اقدام‌هایی که دولت به انجام نرساند، نیست.

برخی مشکلات اقتصاد ایران ساختاری است و منشأ بیرونی ندارد. برای حل این مشکلات هم به عزم جدی

اصلی‌ترین مؤلفه‌های بهبود و پیش‌بینی پذیر کردن حوزه اقتصاد است که اگر درمان نشود، سایر حوزه‌های کسب و کار را نیز آسیب می‌زند ولی کاهش تورم اگر همراه با افزایش تولید و رونق اقتصادی باشد اثرگذار و قابل ادامه یافتن است ولی اگر با کاهش قدرت خرید مردم و کاهش تقاضا به این هدف برسیم، ممکن است پایدار نباشد. برنامه‌های متعددی برای خروج از رکود تهیه و اجرا شد که اجرای طرح رونق تولید و تأمین مالی بیش از ۲۲ هزار واحد تولیدی کوچک و متوسط به مبلغ بیش از ۱۵ هزار میلیارد تومان، تحریک تقاضای داخلی از طریق اجرای طرح کوتاه مدت خروج از رکود (طرح خرید کالای بادوام، خروج خودروهایی فرسوده و فروش اعتباری ۱۳۰ هزار خودرو، پیگیری برای کاهش یا محدودیت تبلیغات کالاهای خارجی در رسانه ملی و سطح شهرها، اصلاح نرخ تسهیلات - لیزینگ‌ها و فعال سازی آنها و تغییر از مبادله‌ای بیش از ۵۰ درصد از دیف‌های تعریفه به ارز متقاضی) و تحریک تقاضای خارجی با افزایش و توسعه صادرات غیر نفتی از آن دست است. از مهم‌ترین اقدامات دیگر امسال، تأمین نقدینگی بنگاه‌های کوچک و متوسط در قالب پروژه رونق تولید بود که با توجه به موفقیت آمیز بودن آن، پیشنهاد ما ادامه این طرح در سال آینده است که در حال پیگیری هستیم.

آمارهای تولید کالاهای منتخب در دوره اول فعالیت دولت یازدهم با نشان‌های افزایش روبه‌رو شد ولی در سال‌های متمادی از رشد آن کاسته شد. این روند از سوی شما چگونه تعریف می‌شود؟ علت ریشه‌ای کاهش تولید را در چه مواردی می‌دانید؟

رونق اقتصادی در کشور شروع شده و این به معنای از بین رفتن کامل مشکلات نیست، تا زمانی که این رونق در تمامی بخش‌ها اتفاق نیفتد و صادرات ما به شکل مطلوب در کشورهای هدف افزایش پیدا نکند، ممکن است در برخی رشته فعالیت‌ها کاهش تولید داشته باشیم. به عنوان مثال تا زمانی که بخش ساختمان دچار رکود اقتصادی باشد، محصولات این زنجیره از قبیل سیمان، فولاد، کاشی و سرامیک و... دچار کاهش تولید می‌شوند که باید از طریق صادرات این کاهش را جبران کرد ولی با توجه به اتفاقات و ناآرامی‌های منطقه این بخش در کشورها نیز دچار رکود شده و صادرات این محصولات به کشورهای منطقه کاهش یافته است.

چندی پیش اعلام کردید قرار است در سال ۹۹ ارزش صادرات صنعتی و معدنی به رقم ۸۴/۵ میلیارد دلار برسد و در چارچوب سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ارزش این بخش ۱۲۱ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است. با توجه به روند سال ۹۵ و پیش‌بینی سال آینده امکان تحقق این گفته وجود دارد؟

اگر الزاماتی که در برنامه راهبردی تعیین شده محقق شود، ظرفیت‌ها و برنامه ریزی‌های صورت گرفته در این مدت عملیاتی شود و فضای پسابرجام توسعه پیدا کند، از طرفی بهبود فضای کسب و کار ادامه داشته باشد، قطعاً این اهداف محقق خواهد شد. از مهم‌ترین برنامه‌های ما توسعه سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی برای ایجاد و ارتقای کیفیت محصولات صادراتی است که در حال پیگیری است. ضمن اینکه گسترش روابط بین‌المللی، توسعه پیوندهای منطقه‌ای و بین‌المللی، مشوق‌های صادراتی، الحاق به WTO و افزایش حضور بازرگانان و تجار و تولیدکنندگان ایرانی در کشورها از مهم‌ترین راهبردها برای توسعه صادرات است که در برنامه‌های این وزارت است و در حال اجرا است.

خیلی از فعالان صنعتی از شرایطی که تولید دچار آن شده است گلایه‌مند هستند و می‌گویند وزارت صنعت نتوانسته طرح‌های حمایتی خود را اجرایی کند. با این طرز تفکر و نگاه واحدهای صنعتی چگونه می‌توان به این نتیجه رسید که مجموعه شما در برنامه ریزی‌های خود کارنامه خوبی داشته است؟

با توجه به شاخص‌های فعلی داخلی و بین‌المللی و نتایج به دست آمده، می‌توان ادعا کرد که فعالیت‌ها در جهت بهبود و ساماندهی مشکلات بوده و آثاری هم به دست آمده ولی خود ما هم اذعان داریم که با شرایط مطلوب هنوز فاصله داریم و باید اقدامات بیشتر و مؤثرتری انجام داد و در این زمینه همکاری سایر بخش‌ها بویژه نظام بانکی نیز مورد نیاز است.

از آنجا که شما مجری دو پروژه اقتصاد مقاومتی هستید عملکرد این دو پروژه در سال جاری چگونه بوده است؟

اجرای سیاست‌ها و پروژه‌های اقتصاد مقاومتی در بخش صنعت، معدن و تجارت هم تا حدود زیادی به توسعه صنعتی کشور کمک کرد. یکی از طرح‌ها در چارچوب اقتصاد مقاومتی تکمیل و راه‌اندازی طرح‌های بالای ۶۰ درصد بود که شامل ۵ هزار و ۴۰۰ طرح می‌شد. تا آخر دیمه سال جاری ۴ هزار و ۳۱۰ طرح با اشتغال ۶۴ هزار نفر به بهره‌برداری رسید. همچنین تکمیل ۳۶ طرح ملی و مهم بود که تا ۲۲ بهمن، ۲۵ طرح به بهره‌برداری رسید و تا پایان امسال مابقی آن افتتاح می‌شود.

و جسارت نیاز است. به همین جهت می‌توان برخی رویکردهای دولت را مورد نقد قرار داد. البته این انتقادات به معنای نفی عملکرد دولت نیست چرا که به طور خاص بخش خصوصی از ابتدای روی کار آمدن دولت یازدهم، بهتر از هر بخش دیگری به سختی‌ها و مصائب پیش رو آشنا بود و انتظار معجزه نداشت. به هر حال دولت یازدهم در گامی مهم و ساختاری موفق شد ثبات را به اقتصاد ایران بازگرداند و همین موضوع در کنار رشد اقتصادی مثبت خود دستاوردی قابل ستایش است ولی قطعاً برای نجات اقتصاد کافی نیست. نکته مثبتی که در رفتار دولت به چشم می‌خورد، تعامل سازنده با بخش خصوصی است. اتاق تهران در تمامی ماه‌های گذشته در راستای بهبود وضعیت اقتصادی کشور و تسهیل فضای کسب و کار تعامل مناسبی با دولت برقرار کرده است. دولت به رغم کندی در اجرا که ناشی از ساختار بروکراتیک سنگین این نهاد در طول تاریخ کشور است، در نهایت پاسخ نسبتاً مطلوبی به مطالبات فعالان بخش خصوصی داده است. حذف مالیات از تسعیر نرخ ارز برای صادرکنندگان، تعهد به بازپرداخت مالیات بر ارزش افزوده صادرکنندگان طی یک ماه از زمان دریافت، مساعدت در زمینه مشکلات بنگاه‌ها با سازمان تأمین اجتماعی مانند کاهش بازرسی دفاتر و حذف حق بیمه از قراردادهای خرید و فروش کالا از این دست است. همچنین با نظر مساعد معاون اول رئیس جمهوری مقرر شد برای سال ۱۳۹۴ که رشد صنعت منفی بود، مالیات از بنگاه‌های صنعتی بر اساس اظهارنامه‌هایشان دریافت شود و بنگاه‌ها تحت فشار مضاعف ممیزی قرار نگیرند.

علاوه بر این، بخشنامه اخیر معاون اول رئیس جمهوری مبنی بر الزام وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی در اجرای قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار برای نظر خواهی از بخش خصوصی نیز پاسخ خوبی به یکی از خواسته‌های مهم اتاق تهران بود که جای قدر دانی دارد. آنچه در حال حاضر هنوز به نتیجه مشخصی نرسیده و بخش خصوصی روی آن تأکید دارد، تک‌نرخ کردن ارز برای از بین بردن رانت‌های موجود در ارز چند نرخ و قابل پیش‌بینی کردن آینده میان مدت برای فعالان اقتصادی است. تک‌نرخ کردن ارز با قیمت واقعی، مزایای میان مدت و بلند مدت فراوانی برای اقتصاد ایران در کمک به تولید و صادرات و در نتیجه ایجاد اشتغال دارد که نمی‌توان و نباید از آن چشم‌پوشی کرد.

به هر حال باید به آینده امید داشت. دولت یازدهم در فرصت باقی مانده با اقدام‌های کارشناسی و شجاعانه می‌تواند سنگ‌های بزرگی را از پیش پای بخش خصوصی بردارد و با همین اتفاق بخشی از مشکلات اقتصادی کشور از میان می‌رود.

